

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

## تحلیل و نقد و مقایسه‌ی ترجمه‌های فارسی الهی‌قمشه‌ای و آیت‌الله مکارم‌شیرازی و سیدمحمدرضا صفوی بر آیه‌الکرسی

دکتر طیبه سیفی<sup>۱</sup>

پروین مکرمی<sup>۲</sup>

### چکیده:

یکی از دغدغه‌های مهم بسیاری از محققان در حوزه پژوهش‌های قرآنی، ترجمه دقیق و رسا از قرآن کریم است. شاید همین امر موجب شده که امروزه پس از گذشت قرن‌ها آشنایی ایرانیان با قرآن کریم، ترجمه‌های متعددی با اسلوب‌های مختلف ارائه شود تا جان‌های تشنه‌ی شیفتگان معارف الهی را سیراب کند. در این میان برخی از مترجمان، با آگاهی از شأن نزول آیات قرآن و لایه‌های درونی آیات و تفسیر و تأویل آن‌ها به ترجمه قرآن همت گماشته و ترجمه‌ای تفسیر گونه از قرآن تقدیم علاقمندان کردند. مهدی محیی‌الدین الهی‌قمشه‌ای به عنوان آغازگر ترجمه‌ی نوین و امروزین از قرآن، سیدمحمد رضا صفوی و نیز مکارم شیرازی از جمله این مترجمان در عصر حاضر می‌باشند؛ لذا بررسی، مقایسه و نقد این سه ترجمه و کشف ویژگی‌ها و ظرافت‌های آن‌ها با تکیه بر آیاتی چند از سوره‌ی مبارکه بقره موصوف به آیه‌الکرسی به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی هدف مقاله حاضر می‌باشد. بررسی این آثار گرانبها حاکی از اهمیت مهم ترجمه‌ی الهی‌قمشه‌ای به عنوان ترجمه‌ای عمومی است که همگان با اختلاف سطح علمی و نوع سلیقه می‌توانند از ترجمه‌ی ایشان بهره‌مند شوند و نیز ترجمه‌ی صفوی که ترجمه‌ای سلیس ارائه دادند و نواقص ترجمه‌های پیشین را برطرف کرده و از این حیث ترجمه‌ای کامل است و ترجمه مکارم در کنار شرح و تفسیر مستقلی که از آیات ارائه داده است با در نظر گرفتن نیاز انسان به ابعاد مختلف و جنبه‌های گوناگون، ترجمه‌ای روان و درخور اهمیت است.

**کلید واژگان:** ترجمه فارسی، قرآن کریم، آیه‌الکرسی، الهی‌قمشه‌ای، مکارم شیرازی، محمدرضا صفوی.

### مقدمه:

قرآن در طی مدت ۲۳ سال، در زمانی که پیامبر (ص) به وظیفه رسالت و ابلاغ پیام الهی و دعوت به اسلام مشغول بودند بر ایشان نازل شده است. نیاز به تفسیر قرآن از زمان رسول خدا(ص) با سؤالاتی که از آن حضرت پرسیده‌اند آغاز گردیده و تا به امروز ادامه پیدا کرده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۴/ش/۶۶۳) "وجود پانصد آیه درباره احکام شرعی و قوانین علمی، نمود بارزی از این نیازمندی است." (مروتی، ۱۳۸۱/ش/۲۱) بنابراین چون در قرآن، حقایق بزرگی نهفته شده است ضرورت آشنایی با آیات آن را ایجاب می‌کند. آشنایی درست و مفید، به توضیح و تفسیر آیات نیاز دارد، "و چه نیکو گفته‌اند که هر ترجمه‌ای مسبوق به تفسیر است و ترجمه و تفسیر، اجمال و تفسیر یک حقیقت‌اند." (صفوی، ۱۳۸۵/۶۱۰) لذا ترجمه و تفسیر قرآن ضروری است و هر مسلمان باید در کنار قرائت و حفظ قرآن به تفسیر و فهم معانی آن نیز توجه کند. "شواهد و قراین قطعی تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر خدا(ص) به عنوان نخستین مفسر قرآن کریم، علم تفسیر را پایه‌گذاری نمود و پس از رحلت آن حضرت، اهل بیت و جمعی از صحابه به

<sup>۱</sup>-عضوهیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی- T\_seyfi@sbu.ac.ir

<sup>۲</sup>-کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

تفسیر آیات قرآن کریم پرداختند." (همان، ۲۵) این روند نسل به نسل ادامه یافت و تاکنون ترجمه‌ها و تفسیرهای زیادی از قرآن انجام شده است. از آنجایی که مفسران در استنباط معانی آیات و شکل و روش ارائه‌ی آن‌ها با هم فرق دارند و به تبع با تفاوت در روش، برداشت آن‌ها نیز متفاوت می‌شود، آشنایی با ترجمه‌ها و تفاسیر متعدد قرآن، برای فهم بهتر آن امری مهم و در خور توجه می‌باشد. از جمله مترجمین عصر کنونی که با آگاهی از شأن نزول آیات، ترجمه‌ای همراه با شرح و تفسیر ارائه دادند الهی قمشه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و محمدرضا صفوی می‌باشند که ترجمه آن‌ها به نوبه‌ی خود از ویژگی‌های مهم و متمایز از سایر ترجمه‌ها و تفاسیر برخوردار بوده لذا در منظر دید واقع شدند. از آنجا که ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای به دلیل جامعیت و روان بودن، مخاطبان زیادی داشته و کمتر خانه‌ایست که یک نسخه از این ترجمه را نداشته باشند و به دلیل تفاوت ترجمه صفوی با سایر ترجمه‌های متعارف از حیث تکیه بر تفسیر المیزان و ترجمه مکارم شیرازی به دلیل نوآوری در این اثر و مطابقتش با نیاز امروز جامعه، بر آن شدیم تا در پژوهش حاضر این ترجمه‌ها را با هم مقایسه، و روش مترجمان در این آثار را ارزیابی کرده، وجوه تمایز و تشابه و ویژگی‌های اسلوب ترجمه و زیبا شناختی این ترجمه‌های ارزشمند را در قالب بخشی از آیات سوره‌ی مبارکه‌ی بقره با عنوان "آیه الکرسی" کشف کنیم. اما سؤالاتی که مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌باشد عبارتند از: این مترجمین در ترجمه خویش از چه روشی استفاده کردند؟ ترجمه‌ی این نویسندگان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟ نکات بارز این آثار در چیست؟ روش مقاله‌ی حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد که پژوهشگران با درج آیه به آیه و ترجمه هر یک به تفکیک، به ذکر ترجمه و تفسیر و نکات مهم از دیدگاه سه مترجم پرداختند و با تکیه بر این موارد، روش‌ها و اسلوب آن‌ها در ترجمه و تفسیر را مورد تحلیل و نقد و مقایسه قرار داده‌اند. هدف مقاله حاضر، آشنایی با شیوه‌های جدید ترجمه و تفسیر قرآن و معرفی اسلوب نویسندگان مذکور و نیز مقایسه آن‌ها و وجوه بارزشان در ترجمه و تفسیر می‌باشد. اما درباره ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن تاکنون پژوهش‌های چندی انجام گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: "بررسی کفایت‌ها و کاستی‌های ترجمه استاد الهی قمشه‌ای" از ماشاءالله بیات مختاری که زندگی مترجم را شرح داده و با نگاهی نقادانه به ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای می‌پردازد و مزایا و امتیازات این ترجمه را برمی‌شمرد. (مختاری، ۱۳۸۴) پایان نامه‌ای هم با عنوان "نقد و تحلیل و مقایسه تطبیقی دو ترجمه قرآن ۱۵ جزء اول از ترجمه‌های مهدی الهی قمشه‌ای با بهاء الدین خرمشاهی" از علی آزادی به راهنمایی اکبر صیادگوه و غلامحسین تمدنی در دانشگاه شیراز نوشته شده است و نیز مقاله‌ای با عنوان "معرفی و نقد ترجمه قرآن کریم بر اساس المیزان" از حامد معرفت که نویسنده به بیان نقاط قوت و ضعف این ترجمه پرداخته و با بیان این نکات، ترجمه‌ی مذکور را از کم غلط‌ترین ترجمه‌ها معرفی کرده ولی در زمینه شیوایی و رسا بودن آن را خوب ارزیابی نمی‌کند. (معرفت، ۱۳۸۹) و نیز مطلبی با عنوان "مقایسه تفسیر نمونه و المیزان" از محمد فاطمی‌پور که در یک صفحه تنها به تفاوت دیدگاه آن‌ها در مورد عالم تجرد و ماده می‌پردازد و خدا را از منظر هر دو توصیف می‌کند. (www.mfatenti) و در نهایت مقاله‌ای با عنوان "نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم، از آیت الله مکارم شیرازی" از مرتضی کریمی‌نیا ارائه شده که در چند بخش (موارد ترجمه نشده، اشکالات نحوی و ساختاری، تفاوت و تضاد در تفسیر و توضیح و در ترکیب‌ها و آیات مشابه و نیز اشکالات صرفی و نحوی) بدون هرگونه توضیح اضافی تنها به ذکر موارد در قالب‌های مذکور می‌پردازد. (کریمی‌نیا، ۱۳۷۵ش) اما تاکنون پژوهش مستقلی در مورد تحلیل و بررسی و مقایسه ترجمه‌های الهی قمشه‌ای و صفوی و مکارم شیرازی انجام نگرفته است.

### نگاهی به ترجمه سه مترجم

شادروان مهدی محیی‌الدین الهی قمشه‌ای از مترجمین به نام و موفق معاصر است که این گنج گرانبها را به شیوه‌ای عام پسند و موافق طبع مردم ترجمه کرده است. آنجا که در ترجمه‌ی کلام الهی یکی پس از دیگری به میدان می‌آیند الهی قمشه‌ای نیز دست به این کار بزرگ نهاد و با توجه به توانایی علمی و تلاش در این زمینه بسیار موفق بوده است. "وی صاحب ترجمه صحیفه سجاده‌یه، مفاتیح الجنان و چندین تألیف و ترجمه ارزشمند دیگر و دیوان شعر است." (خرمشاهی، ۱۳۷۴ش/۶۲۱) ایشان یک ترجمه‌ی تفسیری از قرآن به جامعه‌ی مترجمین اهدا نموده‌اند که حدوداً چند سال پس از شهریور ۱۳۲۰ش برای نخستین بار به طبع رسیده است و به نوعی آغازگر ترجمه‌ی نوین و امروزین محسوب می‌شوند؛ ترجمه‌ی ایشان که گاه "منتخب التفاسیر یا

خلاصه التفاسیر" نامیده می‌شود؛ با توضیحات اضافی و تفسیر برخی آیات، فهم معنا را برای خواننده آسان می‌سازد هرچند که در یک نگاه کلی، ترجمه‌ی دقیق آیه با تفسیر تداخل دارد و تشخیص ترجمه‌ی اصلی آیه با تفسیر آن دشوار است؛ به عبارتی "حسن و عیب این ترجمه یک چیز و آن افزودن و مزج تفسیر با ترجمه است" (همان/۶۶۷) اما روش ایشان در القای مفهوم به فارسی زبانان حتی در سطح پایین علمی نیز قابل توجه است. به طوری که "ترجمه‌ی مذکور به طور مطلق رایج‌ترین ترجمه در ۵۰ سال اخیر است که علی‌رغم این شهرت و محبوبیت آکنده از اغلاط علمی و معنایی است." (خرمشاهی، ۱۳۷۷/ش/۵۵۸) ایشان در این اثر ارزنده، سعی خود را در واضح کردن پیام اصلی قرآن صرف می‌کند و درصدد است تا به صورت کامل، مضمون و معنای کلام را درک و آن را در ذهن مجسم کند و از هر جمله و کلمه‌ای که مناسب است استفاده نماید تا مطلب به مخاطب القا شود، اگرچه حجم کلمات و جملات ترجمه با متن اصلی متناسب نباشد و کم و زیاد گردد. "به اعتقاد برخی از کارشناسان و پژوهش‌گران حوزه ترجمه قرآن، ترجمه او در مقایسه با ده‌ها ترجمه‌ی نو ظهور جدید، در برخی از آیات، از امتیازات و کمال و اتقان بیشتری برخوردار است." (همان/ ۴۹۶) نکته‌ی بارز در این ترجمه این است که مترجم به جای تقلید از آثار دیگر مترجمان، خود با دقت و تأمل به ترجمه و تفسیر آیات همت گماشته و با در نظر داشتن این مطلب که ترجمه تحت اللفظی پیوستگی ترجمه را از بین می‌برد و ممکن است معنای ناموزون و بی‌ارتباط از آیات قرآنی را در ذهن مخاطبان ایجاد کند، با ترجمه‌ی تفسیری خود گامی جدید در این مسیر برداشت و این راه را برای دیگران نیز هموار کرد تا جایی که او را آغازگر ترجمه‌ی نوین دانستند. هرچند که "برخی معتقدند، ترجمه الهی‌قمشه‌ای در واقع همان ترجمه بصیر الملک به علاوه نکات تفسیری است و نیز گفته می‌شود که ترجمه‌ی بصیر الملک زیر نظر الهی‌قمشه‌ای نوشته و تنظیم شده است." (مختاری، ۹۶/۱۳۸۴) اما بیان این موارد ذره‌ای از ارجح بودن ترجمه الهی قمشه‌ای در این زمینه نمی‌کاهد.

ترجمه و تفسیر قرآن بر اساس میزان نیز، اثر سید محمدرضا صفوی است. این ترجمه بر اساس تفسیر میزان علامه طباطبایی ارائه شده و ترجمه‌ای معنایی و محتوایی محسوب می‌شود. "طرح ترجمه و تفسیر قرآن بر اساس میزان در اواخر سال ۱۳۷۶ از سوی سید عبدالحمید صفوی مطرح شد و اجرای آن از اوایل سال ۱۳۷۷ آغاز شد." (صفوی، ۶۱۳/۱۳۸۵) که "پس از بررسی لازم سید محمدرضا صفوی به این کار دعوت شد که شش سال و اندی وقت خود را صرف این کار نموده" (همان/۶۱۵) و آن را در یک جلد عرضه کرده است. این ترجمه جدید است و نواقص ترجمه‌های پیشین را تا حدودی برطرف کرده است، نویسنده صحت و اتقان ترجمه قرآن را در گرو تفسیر درست آن می‌داند. ایشان عنوان می‌کنند که در تفاسیر قرآنی با تکیه بر الفاظ آیات و جایگاه و موقعیت کلمات و تحلیل واژه‌های قرآن، نکات بسیاری را دریافته و ثبت کرده‌اند؛ در واقع به موشکافی جزء به جزء آن پرداخته‌اند در حالی که اگر فقط آیات ترجمه شوند به همه این مفاهیم نمی‌توان دست یافت. (همان/۲۱۵) این مترجم یکی از اصول ترجمه در اثر خود را معنا و محتوا قرار داده؛ ولی این دلیل بر این نبوده که از متن اصلی فاصله بگیرد و ترجمه‌ی دقیقی ارائه ندهد. بنابراین ترجمه‌ای دقیق و گویا داشته و از عباراتی که مأنوس با ذهن عموم مردم باشد استفاده کرده است. معانی و توضیحات این ترجمه برگرفته از تفسیر میزان است و کلمات اضافی مترجم داخل پرانتز قرار داده شده است ایشان در این باره گفته‌اند: "مترجمان با اعتراف به کاستی‌های ترجمه تحت اللفظی، قلاب‌ها و پرانتزها را در ترجمه‌ها افزودند و با اتکاء به کلمه‌ها و جمله‌هایی که در درون آن‌ها آوردند، ترجمه‌ها را گویاتر کردند. این شیوه در موارد بسیاری کارآمد نیست، پیوستگی ترجمه را مخدوش می‌کند و نگارش را شکلی ناموزون می‌دهد و خواه ناخواه این توهم رخ می‌نماید که آیات قرآن در رساندن معانی، کاستی‌هایی دارد که مترجمان را بر آن داشته که جمله‌ها و کلمه‌هایی را از خود بر آن‌ها بیفزایند پس باید گامی دیگر برداشت و طرحی نو درانداخت." (همان/۶۱۰) صفوی با توجه به محتوای آیات، مباحث عقیدتی، اجتماعی، تاریخی، علمی و فلسفی را نیز توضیح می‌دهد و یکی از اصول ترجمه‌ی خود را، استفاده از واژه‌های قریب به ذهن و آشنا برای فارسی زبانان که بار معنایی ویژه‌ای داشته، و نیز منعکس کردن معادل‌های خاص برای هر کلمه به گونه‌ای که مفاد و معنا را به خوبی القا کنند می‌داند. (صفوی/۶۱۳) در این ترجمه، آیات در یک صفحه و ترجمه و تفسیر آن در صفحه روبروی آن آمده و ترتیب سوره‌ها به همان ترتیب قرآن‌های رایج است و در آخر نیز مترجم فهرستی از اسم سوره‌ها را ذکر کرده است. ایشان چنان که خود گفته تنها در مواردی که احتمال اختلاف در

ترکیب کلمه‌ای داده شود، در بیان معنای لغات، به لغت‌نامه‌های مشهور همچون مجمع البیان رجوع کرده است و گرنه در بیشتر موارد از فرهنگ لغات استفاده نکرده است.

"آیت الله مکارم شیرازی نیز از نویسندگان و محققان طراز اول حوزه علمیه قم است که کانون اصلی درس و بحث و تحقیق ایشان کلام الله مجید است. ترجمه قرآن مجید به قلم ایشان در سال ۱۳۷۳ ش، از سوی دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، همراه با نص مقدس قرآن کتابت عثمان طه منتشر گردیده است." (خرمشاهی، ۱۳۷۴ ش/۶۲۴) ترجمه ایشان در شمار ترجمه‌های رایج امروزی است. روش ایشان، معنایی و محتوایی است که در قالبی دقیق و محکم بیان می‌شود. مترجم با آوردن توضیحات تفسیری ابهام‌های موجود در فهم آیه را برطرف می‌کند به طوری که ترجمه ایشان ساده و عامه فهم است." این ترجمه در اصل بخشی از تفسیر نمونه بوده است که توسط گروهی از محققان حوزه، تحقیق و بازنگری شده است و با ویراستاری آقای جواد محدثی در سال ۱۳۷۳ چاپ شده است." (خامه‌گر، مرکز فرهنگ و معارف قرآن) این ترجمه روان همراه با تفسیر کوتاهی ارائه شده و نیاز قرآن دوستان و نسل امروز جامعه را برطرف می‌کند هرچند که یکی از قرآن‌پژوهان معاصر به نام مرتضی کریمی‌نیا اشکالات نحوی، ساختاری، لغوی و صرفی را بر این اثر یادآور شده است و ترجمه را از لحاظ نگارش فارسی، محتوای تفسیری و هماهنگی در برگرداندن آیات مشابه دچار اشکال دانسته‌اند. (کریمی‌نیا، ۱۳۷۵ ش/۹)

در نسخه قرآن شریف به ترجمه ایشان در کنار آیات، ترجمه آن‌ها نیز ذکر شده و در صفحه مقابل آن، شرح و تفسیر آیات بیان شده است. یکی از اصول ترجمه ایشان، عنوان بندی مطالب در بخش شرح و تفسیر است؛ بدین ترتیب در ترجمه آیه الکرسی از عنوان "نقطه اوج قرآن، اجباری در دین نیست، ولی مومنان، مومنان در نور می‌روند و کافران از نور بیرون می‌آیند" استفاده کرده است. بیان فضیلت‌های این آیات و نقل روایاتی از ائمه در این باب و ذکر زمان‌هایی که خواندن این آیات فضیلت دارد، هم از مزایای ترجمه ایشان بر این آیات می‌باشد که ضمن آگاهی پیرامون جزئیات آیه شریفه، رغبت خواننده را دو چندان می‌کند. حال که روش سه مترجم در ترجمه قرآن روشن شد، در ادامه با نگاهی به آیاتی از سوره بقره به تطبیق این شیوه‌ها و مقایسه آن‌ها می‌پردازیم. قبل از بررسی، لازم است متذکر شویم که برای تحلیل جزء به جزء و تطبیق سه ترجمه، آیات را به چندین جزء تقسیم نموده تا بدین وسیله خواننده بیشتر با مفاهیم قرآنی در برداشته‌های مختلف آشنا شده و تفاوت و زیبایی هر سه را به راحتی درک کند.

آیه الکرسی (آیات ۲۵۵ تا ۲۵۷ سوره مبارکه بقره، جزء اول)

آیه ۲۵۵: "اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَهُوَ يُؤْتِيهِمْ حِفْظَهُمْ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ"

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ":

قمشاهی: خدای یکتاست که جز او خدایی نیست زنده و پاینده است.

صفوی: تنها خدا-که هیچ معبودی جز او شایسته پرستش نیست- زنده و برپادارنده هستی است.

مکارم: هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او!

از ترجمه قمشه‌ای اثبات یکتایی خداوند و از کلام صفوی و مکارم علاوه بر آن شایستگی پرستش، تنها برای خدا استنباط می‌شود، قمشه‌ای از لفظ "الْقَيُّومُ" خود خدا را پاینده دانسته و درصدد اثبات این صفت برای خداوند است درحالی که صفوی و مکارم این صفت در خدا را در ارتباط با مخلوقات و هستی تفسیر می‌کنند. علاوه بر آن ترجمه قمشه‌ای مختصر است و به تناسب الفاظ از معادل‌های مناسب استفاده کرده و ترجمه صفوی و مکارم به تفصیل، به صفت زنده و پایدار بودن خداوند پرداخته‌اند ضمن این که ترجمه مکارم با ذکر رابطه علی و معلولی بین خداوند و موجودات، این صفت بارز "زنده و پایداری" را به خوبی در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند. تفاوت سه ترجمه علاوه بر ساختار نگارشی در معنای الفاظ است که قمشه‌ای "الْقَيُّومُ" را "پاینده" معنا نموده و صفوی "برپادارنده هستی" و مکارم "قائم بودن"، با این تفاوت که معنای مورد استفاده در ترجمه اخیر یعنی مکارم با وجه عربی

بیشتر تناسب دارد. از آنجا که عنوان بندی مطالب، روش مکارم در ترجمه قرآن است ایشان پس از ترجمه این آیه را " نقطه اوج قرآن" عنوان نهادند و آیات مذکور را از شریفترین آیات قرآن مجید می‌داند و معتقد هستند که به دلیل معارف والایی که در این آیات آمده روایات بسیاری از ائمه در فضیلت آن نقل شده است از جمله: "امام صادق (ع) نقل می‌کند که: "برای هر چیز نقطه اوج و ارتفاعی است و نقطه اوج قرآن، آیه الکرسی است." (مکارم، ۱۳۸۸/ش ۴۲) و در نهایت و بنا بر قول مشهور آیه الکرسی را تنها آیه ۲۵۵ می‌داند.

"لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ:"

قمشهای: هرگز او را کسالت خواب فرا نگیرد تا چه رسد که به خواب رود

صفوی: نه خوابی سبک او را فرا می‌گیرد و نه خوابی سنگین که از اداره امور جهان بازماند.

مکارم: هیچ گاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند)

قمشهای "سِنَّةٌ" را کسالت خواب و "نَوْمٌ" را خواب ترجمه می‌کند و معتقد است که حتی کسالت خواب به سراغ خدا نمی‌آید درحالی که صفوی و مکارم "سِنَّةٌ" را خواب سبک و "نَوْمٌ" را خواب سنگین ترجمه می‌کنند و در نتیجه خواب در تعبیر ایشان به دو قسم تقسیم می‌شود که هیچ‌یک شامل ذات حق نمی‌شود. مخاطب از ترجمه قمشهای، عدم غلبه خواب بر خداوند را به خوبی احساس می‌کند؛ اما در ترجمه دو مترجم دیگر علاوه بر این صفت، علت را هم درمی‌یابد؛ و آن تدبیر امور جهان توسط خداوند است؛ گویی یک شخص غیر مسلمان بپرسد: از کجا می‌دانید که خدا نمی‌خوابد؟ که جواب در دو ترجمه اخیر کافی و وافی است. تفاوت ترجمه مکارم و صفوی با وجود تشابه در ذکر علت عدم غلبه خواب بر خداوند، در وجود پُرانتز است که صفوی آن را در ادامه معنای اصلی بیان نموده که این تبعیت شاید به تفسیر المیزان برگردد؛ اما مکارم با قرار دادن آن در قالبی دیگر تحلیل خویش را به خوبی از متن اصلی تفکیک می‌کند. در ترجمه قمشهای نیز ترجمه‌ی اصلی متن و تفسیر با هم آمیخته شده‌اند از طرفی هیچ نشانه‌ای برای تشخیص این دو از هم وجود ندارد؛ به عبارتی مترجم کلماتی که برای بیان شیوه‌ی ترجمه استفاده نموده در پُرانتز ذکر نکرده و همین باعث شده که عامه‌ی مخاطبین ترجمه را با تفاسیر اضافی مترجم اشتباه بگیرند. مانند:.... (تا چه رسد) که به خواب رود در همین آیه که لزوماً باید اشاره شود که در متن اصلی معادلی برای این عبارت نیست و تنها برای فهم مخاطب اضافه شده است و از این بابت در ترجمه مذکور با صفوی همسان است.

"لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ:"

قمشهای: اوست مالک آن چه در آسمانها و آنچه در زمین است.

صفوی: آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است از آن اوست و اسباب و علل همه از او فرمان می‌گیرند.

مکارم: آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است از آن اوست.

عبارت ترجمه شده در هر سه قابل فهم است و هر سه نیز معنای لفظ به لفظ آیه را بیان نموده و با رعایت عطف بین دو جمله و معنای حروف جر به خوبی از عهده این کار برآمدند ضمن این که ترجمه‌ی تقریباً تحت اللفظی در سه ترجمه مذکور باعث خلل در معنا نشده است؛ اما ترجمه صفوی و مکارم روان تر و به فارسی امروزی نزدیک تر است و قمشهای با پس و پیش کردن کلمات از نگارش امروزی کمی فاصله گرفته، علاوه بر این صفوی با شرحی کوتاه مفهوم را هم روشن تر بیان می‌کند و با بیان "اسباب و علل همه از او فرمان می‌گیرند." به سومین صفت خداوند یعنی "مالکیت" به خوبی اشاره می‌کند با توجه به این که در قسمت پیشین با دو صفت "زنده بودن" و "پایداری" خداوند متعال آشنا شدیم.

"مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ:"

قمشهای: کرا این جرأت است که در پیشگاه او بشفاعت برخیزد مگر به فرمان او

صفوی: کیست آن که جز به اذن او نزد وی شفاعت کند؟ و انجام کاری را سبب شود.

مکارم: کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد)

قمشه‌ای و صفوی سعی کردند در ترجمه تا حدی موسیقی درونی آیات و ترتیب واژه‌ها را به ترجمه منتقل کنند. اما مکارم ترجمه‌ای کاملاً روان و شیوا ارائه داده است. قمشه‌ای با ذکر کلمه "جرأت" جواز شفاعت از سوی دیگران (اولیاء و انبیاء و...) را تنها به اذن خداوند می‌داند به عبارتی هیچ‌کس حتی انبیاء بی‌اذن و اجازه خداوند جرأت شفیع شدن را ندارند بدین ترتیب صفت "شفاعت" و منحصر بودن در وجود باری تعالی در ترجمه الهی‌قمشه‌ای نمود بارزتری دارد؛ هر چند که صفوی با عبارت "و انجام کاری را سبب شود." در ضمن معنای اصلی بر وجود شفاعت به عنوان صفت مطلق خداوند تأکید کرده است. از حیث تناسب ظاهری نیز ترجمه مکارم به اندازه آیه بوده و جمله داخل پراتنز تفسیر اضافی است؛ اما دو ترجمه دیگر کلمات بیشتری را شامل شده‌اند.

"يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ":

قمشه‌ای: علم او محیط است با آنچه پیش نظر خلق آمده است و آنچه پس خواهد آمد.  
 صفوی: آنچه را که پیش روی شفاعت‌گران است و از آن آگاهند و آنچه را که در پی دارند و از آنان نهان است، همه را می‌داند؛ مکارم: آنچه را در پیش روی آن‌ها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او یکسان است).  
 ضمیر "هم" در ترجمه قمشه‌ای و مکارم به عموم بندگان اختصاص دارد اما صفوی با ذکر کلمه "شفاعت‌گران" آگاهی خداوند را محدود نموده و از این بابت شاید ترجمه مکارم و قمشه‌ای مقبولیت بیشتری داشته باشد. مکارم ضمن رعایت ایجاز، اسلوب نگارشی زبان مقصد را به خوبی رعایت کرده که در ترجمه‌ی ضمیر "هم" به "آن‌ها" به این موضوع پی می‌بریم؛ به عبارتی ایشان سعی کردند زبان مقصد را بی‌کم و کاست در قالب زبان مبدأ بریزد و تا حدی موفق هم بوده است. اما برخی مواقع تکیه به معنای لفظ به لفظ باعث خلل در معنا می‌شود همچنان‌که با ترجمه "مَا خَلْفَهُمْ" به معنای تحت اللفظی‌اش از شیوایی و روانی مفهوم کاسته حال این که معادل مناسب برای عبارت مذکور در دو ترجمه دیگر باعث زیبایی ترجمه و سلاست کلام شده است؛ اما با تعبیر گذشته و آینده در ضمن تفسیر این بخش می‌توان کار ایشان را توجیه نمود، هر چند که قمشه‌ای نیز بیشتر نقل به معنا کرده و این باعث شده که در برخی موارد معنای اصلی کلمه ترجمه نشود بلکه از جایگزینی استفاده می‌کند که مفهوم را روان‌تر نشان دهد و این خود عاملی است که باعث شده مترجم از برخی اسلوب بلاغی صرف‌نظر کند مانند (مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ) که کنایه بوده و می‌توانست زیباتر از این ترجمه شود. ولی عبارت "بَيْنَ أَيْدِيهِمْ" در ترجمه هر سه مترجم به امور پیش روی تعبیر شده است. از طرفی ترجمه قمشه‌ای و صفوی هر دو آهنگین و مناسب موسیقی درونی آیات است؛ اما صفوی با توضیح و تفسیر بیشتر، بهتر هدف و منظور آیه را به مخاطب منتقل می‌کند هر چند تعداد الفاظ زبان مقصد بیشتر از زبان مبدأ است.

"وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۖ

قمشه‌ای: و خلق بهیچ مرتبه علم او احاطه نتوانند کرد مگر به آن چه او خواهد.

صفوی: و آنها به چیزی از دانش او -جز آنچه برایشان خواسته است- احاطه ندارند.

مکارم: و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد، جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست).

ترجمه قمشه‌ای آهنگین است و با عبارت به "هیچ مرتبه" معنی حصر موجود در آیه را منتقل می‌کند اما صفوی جمله بعد از "إِلَّا" را به صورت معترضه ترجمه کرده و کلام او از آهنگ و موسیقی خالی است. مکارم هم ضمن شیوایی و روانی عبارات، مفهوم را به خوبی منتقل کرده است. نکته قابل تأمل در اینجا ترجمه واژه "ما" در "بِمَا شَاءَ" است که قمشه‌ای و صفوی آن را موصول و مکارم مصدریه ظرفیه ترجمه کرده است. از سویی دیگر مرجع ضمیر "او" در حیاطون در ترجمه صفوی مبهم است و قمشه‌ای با کلمه "خلق" و مکارم با "کسی" نشان می‌دهند که تمام علم نوع بشریت به اندازه ذره‌ای از علم خداوند متعال نیست و این مفهوم با "مقداری" در ترجمه مکارم محسوس‌تر است یعنی مقدار علم خداوند با بشر قابل قیاس نیست و همان مقدار کم را هم باید خداوند به آن‌ها بدهد.

"وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۖ صَلَّىٰ وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ":

الهی قمشهای: قلمرو علمش از آسمانها و زمین فراتر و نگهبانی زمین و آسمان بر او آسان و بی‌زحمت است چه او دانای بزرگوار و توانای با عظمت است.

صفوی: قلمرو فرمانروایی اش آسمانها و زمین را فرا گرفته است، و نگهداری آن دو بر او دشوار نیست، و اوست بلند مرتبه و بزرگ. مکارم: تخت (حکومت) او آسمانها و زمین را در بر گرفته و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین) او را خسته نمی‌کند، بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست.

قمشهای "کرسی" را قلمرو علم الهی و صفوی قلمرو ملک الهی و مکارم تخت حکومت ترجمه می‌کنند و این بار قمشهای با اندکی تفسیر، مفهوم آیه را بهتر منتقل می‌کند و کلام او موزون و آهنگین است. مکارم هم در ترجمه‌ی بخش آخر آیه جمله را به صورت حصر ترجمه کرده؛ چرا که خبر معرفه مفید حصر است و با ادات "مخصوص" بلندی مقام و عظمت را در خداوند محصور نموده است، اما این دقت در دو ترجمه قبلی دیده نمی‌شود. وجود معادل‌های مترادف "بی‌زحمت است" در ترجمه قمشهای، "دشوار نیست" در ترجمه صفوی و "خسته نمی‌کند" در ترجمه مکارم در تعبیر "لَا يُوَدُّهُ" دلالت بر تسلط لغوی سه مترجم در معانی عربی داشته به طوری که هریک به سلیقه خویش یکی از آن معانی را انتخاب کرده و مخاطب نیز با چینش هر سه در کنار یکدیگر با سیل عظیمی از لغات مترادف مواجه شده و مناسب فهم خود، قریب‌ترین و رساترینشان را برمی‌گزیند.

آیه ۲۵۶: "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ صُلِحَ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا قَلْبًا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ"

"لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ!"

قمشهای: کار دین به اجبار نیست (بلکه دین آنستکه با اختیار قلب باشد پس دین با اکراه دین نیست چنانکه کفر با اکراه کفر نیست)

صفوی: در گرایش مردم به دین اجباری نیست  
مکارم: در قبول دین، اکراهی نیست.

هر سه مترجم ضمن انتقال یک معنی، تعبیر متفاوتی از "فی الدین" ارائه دادند، قمشهای آن را به کار دین، صفوی به گرایش مردم به دین، و مکارم به قبول دین تعبیر می‌کند حال آنکه قمشهای با شرح و تفسیر آن، مفهوم آیه را ملموس‌تر جلوه می‌دهد. قمشهای برای عدم اجبار دین تنها جمله‌ی ساده را کافی ندانسته بنابراین برای فهم بیشتر مخاطبین، توضیح اضافی را در قالب پرانتز به خوبی نشان می‌دهد یعنی ایشان آیه را با اضافه کردن توضیحات داخل پرانتز، به صورتی ترجمه می‌کنند که شبهه‌ی جبر پیدا نشود و برای تقریب معنا به ذهن حتی مثال نیز آورده؛ "همچنان که کفر با اکراه کفر نیست" حال اگر تفسیر داخل پرانتز را ذکر نمی‌کرد به نوعی ابهام در معنا ایجاد می‌شد ضمن این که زیاد به حاشیه نرفته و از موضوع اصلی دور نشده است. مزیت دیگر ترجمه الهی قمشهای در این بخش، مشخص کردن رابطه بین قلب و زبان و به عبارتی تمییز ایمان واقعی از دروغین است. مکارم در شرح این آیه با عنوان "اجباری در دین نیست" به بیان جهاتی می‌پردازد که اسلام از اجبار و زور استفاده می‌کند که شامل اعتقادات مذهبی و گرایش‌های دینی نمی‌باشد. اما این به معنای غفلت اسلام در تمام موارد نیست چرا که اسلام در "محو آثار شرک پرستی، در برابر کسانی که نقشه نابودی و حمله به مسلمانان را می‌کشند، دستور به جهاد دفاعی داده شده و شاید بتوان گفت که بیشترین جنگ‌های اسلامی در زمان پیامبر (ص) از همین قبیل است و برای کسب آزادی در تبلیغ" به زور متوسل می‌شود. (مکارم، ۱۳۸۸ش/۴۲)

"قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ!"

قمشهای: راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردید.



صفوی: زیرا راه درست به خوبی از راه نادرست مشخص شده است.

مکارم: (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.

نکته قابل توجه در این آیه تعابیر متفاوت مترجمین از واژه "الرُّشْدُ وَّ الْغَيِّ" است ضمن این که هر سه ترجمه شیوا و روان و قابل فهم هستند. ترجمه "الغی" در ترجمه قمشهای ضمن بیان زیبا، معنای "الرُّشْدُ" را نیز بارز نموده؛ به عبارتی هدایت و ضلالت عام‌ترند و تمام نیکی‌ها و زشتی‌ها را که زیر مجموعه‌ی آن دو هستند دربرمی‌گیرند؛ اما از راه درست و انحرافی و نادرست در دو ترجمه دیگر ممکن است هرکس برداشتی داشته باشد و راه نادرست برای هرکس متفاوت باشد چه بسا مسیری در ذهن یک نفر درست و در ذهن دیگری نادرست باشد؛ بنابراین قمشهای مفهوم گمراهی و انحراف از حق را به خوبی منتقل می‌کند و این همان هدفی است که قرآن دنبال می‌کند. از طرفی ایشان با عبارت (همه کس) عمومیت هدایت و ضلالت را نشان داده در حالی که این واژه جزء اصلی متن نبوده بلکه از اضافات مترجم است و باید داخل پرانتز باشد. صفوی و مکارم شیرازی نیز با واژه (زیرا) این تأثیر را واضح بیان می‌کنند و وجه مشابه این دو ترجمه در این است که دو مترجم در ترجمه مذکور از افعال ماضی نقلی استفاده کرده‌اند و به نوعی بیشتر به زمان حال برمی‌گردند اما الهی قمشهای برعکس از افعال ماضی ساده استفاده کرده و گویا پیام فقط متعلق به زمان گذشته بوده است.

"فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ"

قمشهای: پس هر که از راه کفر و سرکشی برگردد و براه ایمان و پرستش خدا گراید.

صفوی: پس هر کس به طاغوت‌ها کافر شود و به خدا ایمان بیاورد.

مکارم: بنابراین کسی که به طاغوت(بت و شیطان و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد.

ترجمه قمشهای بسیار موزون و از موسیقی درونی بهره‌مند است و مترجم از قید و بند الفاظ رها شده و تنها مفهوم آیه را به مخاطب منتقل می‌کند؛ بنابراین در ترجمه قمشهای این بار الفاظ فدای معنا شده‌اند به طوری که لفظ "الطَّغُوتِ" ترجمه نشده و مترجم هدف را تنها در فهم معنا قرار داده، در حالی که صفوی و مکارم با پایبندی به الفاظ آیه را ترجمه کردند. لفظ مذکور در ترجمه صفوی و مکارم به دو صیغه متفاوت مفرد و جمع ترجمه شده ضمن این که دامنه‌ی این لغت در ترجمه مکارم فراخ‌تر است و شامل بت، شیطان و هر موجود طغیانگر دیگر نیز می‌شود. نکته قابل تأمل دیگر ترجمه "من" شرطیه است که غالباً به "هر که" یا "هر کس" ترجمه می‌شود همان‌گونه که در ترجمه قمشهای و صفوی دیده می‌شود اما مکارم آن را به "کسی که" ترجمه کرده که غالباً ترجمه "من" موصوله است.

"فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَأَنْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ"

قمشهای: برشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست و خداوند بهر چه خلق گویند و کنند شنوا و داناست.

صفوی: قطعاً به استوارترین دستاویز که برای آن گسستن نیست چنگ زده است، و خدا شنونده گفتار مردم و آگاه از کفر و ایمان آنهاست.

مکارم شیرازی: به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.

هر سه مترجم ترجمه‌ای شیوا و روان از این آیه ارائه دادند با این تفاوت که ترجمه قمشهای و صفوی با اندکی شرح و تفسیر در بخش آخر آیه همراه است. مرحوم قمشهای در ادای اصل مفهوم در برخی موارد به مرجع ضمیرها توجه ننموده همچنان که در "لا انفصام لها" هرگز نخواهد گسست مرجع ضمیر را به خوبی تبیین نکرده و این اگرچه به ظاهر عیب نباشد؛ اما ممکن است از دید یک عرب زبان که به فارسی هم مسلط باشد عیب بزرگی محسوب شود و عدم رعایت این نکات باعث می‌شود که جذابیت ترجمه به اندازه آیه نباشد؛ در نتیجه تأثیر کمتری بر مخاطب بگذارد.

صفوی در این ترجمه به فراخور محتوا عمل نموده و با کلمه مأنوس به ذهن "دستاویز" به خوبی راه درست از نادرست را برای مخاطب تبیین می‌کند و با اضافه کردن عبارت "کفر و ایمان" در ترجمه "علیم" نشان می‌دهد که محدوده معنایی این واژه در این قسمت شامل چیست و از بسط آن خودداری کرده، مفردات آیه به خوبی ترجمه شده و مترجم در واقع با این ترجمه عبارت مجمل "لا إكراه في الدين" را به خوبی در اذهان مجسم می‌کند. از لحاظ نحوی نیز "بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى" در ترجمه مکارم و قمشه‌ای با ساختار مناسب و به جای صفت و موصوف ترجمه شده در حالی که صفوی با تعبیر "استوارترین دستاویز" از کاربرد صفت تفضیلی بهره برده که از لحاظ ساختاری متفاوت از آن دو ترجمه و شاید ناموزون با اصل آیه باشد اما با همراهی واژه "قطعاً" تأکید بیشتری از مضمون دارد.

آیه ۲۵۷: "اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ صَلَّى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطُّغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ قُلْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ صَلَّى هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ"

"اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ":

قمشه‌ای: خدا یار اهل ایمان است آنانرا از تاریکیهای جهان بیرون آورد و بعالم نور برد.  
صفوی: خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها بیرون می‌برد و به سوی روشنایی (شناخت معارف و اطاعت از خدا) هدایت می‌کند.

مکارم: خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آن‌ها را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌برد.  
در این آیه نیز ترجمه‌ی قمشه‌ای موزون و آهنگین است و در مقابل ترجمه صفوی روان‌تر است؛ ایشان مراد از روشنایی را به زیبایی بیان کردند و با ذکر "شناخت معارف و اطاعت از خدا" مخاطب را بیشتر ترغیب می‌کنند که به العروه الوثقی چنگ زند و این یک نکته جالب است در صورتی که در دو ترجمه دیگر "نور" با لفظ خودش آمده و تنها واژه‌ای که به ذهن عامه‌ی مردم خطور می‌کند چیزی در برابر تاریکی است بنابراین با ذکر این تعبیر پربار در ترجمه صفوی مخاطب به راحتی متوجه می‌شود که منظور از ظلمت و تاریکی نیز جهل و نافرمانی از خداست. ترجمه مکارم نیز ضمن پایبندی به ترتیب واژه‌ها، شیوا و روان است. معادل کلمات عبارت در سه ترجمه متفاوت است مثلاً الهی قمشه‌ای "ولی" را یار، صفوی سرپرست و مکارم ولی و سرپرست هر دو معنی کرده است. معنای هر سه تقریباً قریب به ذهن است هرچند که معنای صفوی، خواننده را از شرح و تفسیر بی‌نیاز می‌کند. یکی از مهم‌ترین اصول و شرایطی که در ترجمه قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد این است که مترجم باید به اسلوب و خصوصیات زبان متن آگاه باشد که حتی‌المقدور معنا و شکل و صیغه اسماء و افعال و حروف را در عین حفظ نقش آن‌ها در ترجمه مطابق با متن اصلی رعایت کند تا معنا و مقصود وحی الهی را بدون ابهام و اشکال منتقل کند اما در مواردی از این ترجمه می‌بینیم که برخی نکات صرفی و نحوی چندان رعایت نشده است. اشکال ترجمه صفوی در آیه مذکور نیز در این است که به منظور تبیین معنا گاه با توجه به ریشه کلمات، معانی آن‌ها را نادیده گرفته در صورتی که می‌توانست از معادلی مناسب‌تر استفاده کند؛ برای نمونه ایشان "يُخْرِجُهُمْ" را با حرف اضافه "من" به "هدایت می‌کند" معنا نموده و این چیزی است که تا حدی به لغت شناسی و واژه شناسی مترجم ایراد وارد می‌کند. در شرح مکارم "ولی" در این آیه به معنای سرپرست و صاحب اختیار است؛ بنابراین ایشان با عنوان "ولی مؤمنان" در شرح این آیه بیان نمودند که: "طبق این آیه، خداوند ولایت و سرپرستی خویش را به مؤمنان اختصاص داده است. اثر ولایت خدا که متولی کار مؤمنان است این است که مؤمنان را از تیرگی‌ها خارج می‌کند و به سوی نور می‌برد. چنین انسانی، در مسائل علمی گرفتار تیرگی جهل و در عمل گرفتار تاریکی ظلم و گمراهی نمی‌شود." (مکارم، ۱۳۸۸/ش/۴۳)

"وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطُّغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ":

قمشه‌ای: و آنان را که راه کفر گزیدند یار ایشان شیطان و دیوه‌زن است. آنها را از عالم نور به تاریکی‌های گمراهی درافکنند.

صفوی: و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طاغوت‌ها‌یند که آنان را از نور (فطرت خداشناسی) به در می‌برند و به تاریکی‌های شرک و کفر و عصیان می‌کشانند.

مکارم شیرازی: (اما) کسانی که کافر شدند اولیای آن‌ها طاغوتها هستند که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند.

هر سه ترجمه تا حدی موزون و آهنگین هستند. اما قمشه‌ای در ترجمه این آیه به خوبی صیغهی جمع "ظلمات" را در کلمه مقابل آن "نور" از هم تفکیک کرده است و این یک ویژگی بارز در این ترجمه است. صفوی با اشاره به "فطرت خدانشناسی" در تعبیر واژه "نور" و روشنایی اشاره‌ای به مباحث عقیدتی و دینی داشته و این سیری است که در تفسیر المیزان به خوبی آشکار است. در واقع ایشان از خلال این ترجمه جانب معتقدات را رعایت کرده و با اشاره به مبحث خدانشناسی ذهن را به تکاپو در این باره وادار نموده است. نکته قابل تأمل در این است که صفوی و مکارم و مخصوصاً مکارم در اکثر آیات مرجع ضمائر را به خوبی و با موشکافی در جزء به جزء آیات مشخص می‌کنند؛ اما در این جا می‌بینیم که در هر سه ترجمه منظور از ضمیر "هم" در "يُخْرِجُونَهُمْ" ذکر نشده و مخاطب برای فهم دقیق، نیازمند رجوع به تفاسیر دیگر از جمله تفسیر نمونه و... است. نور و ظلمت در این آیه بنابر شرح مکارم کنایه از هدایت و گمراهی است. و شکل مفرد این واژه دلیل بر وحدت و یکی بودن حق و حقیقت است و برای توضیح بیشتر آن را به خط مستقیمی که میان دو نقطه کشیده می‌شود تشبیه می‌کند و در مقابل جمع ظلمات نشان دهنده فراوانی راه بطلان و باطلین است که هیچ هماهنگی در هیچ جهتی با هم ندارند. مکارم در شرح این آیه آن را "مؤمنان در نور می‌روند و کافران از نور بیرون می‌آیند" نام‌گذاری می‌کند و با این شیوه سؤال احتمالی که در این خصوص در ذهن خواننده نقش می‌بندد پاسخ می‌گوید با این بین که: "ممکن است این سؤال به ذهن برسد که مگر کافران در نور بوده‌اند که خداوند آنها را به دلیل کفرشان از آن نور خارج و به ظلمات داخل می‌کند." (همان/۴۳) آن‌گاه به آراء دیگر مفسران پرداخته و در این باره به تفصیل به شرح موضوع می‌پردازد.<sup>۲</sup>

"أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ"

قمشه‌ای: این گروه اهل دوزخ در آن مخلد خواهند بود.

صفوی: اینان همدم آتشند و در آن جاودانه‌اند.

مکارم: آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

در هر سه ترجمه جملات، به صورت هدفمند و با نگارشی روان مفهوم آیه را به مخاطب فهمانده و از ترجمه‌ی لفظ به لفظ آیه که در برخی موارد باعث تشویش اذهان می‌شود خودداری کرده‌اند و در حد امکان از واژه‌های خشک و از تعقید معنایی اجتناب ورزیده‌اند؛ بنابراین خواننده به طور کلی از مفهوم آیه به نتیجه قریب به ذهن می‌رسد؛ اما صفوی با تعبیر "همدم" جاودانه ماندن کافران در بهشت را زیباتر جلوه می‌دهد گویی این دو "آتش و کافران" دو یار و همدم‌اند که لازمه‌ی این انس، جدا نشدن از هم است. وجه تشابه بین ترجمه قمشه‌ای و مکارم از نظر ساختاری است که هر دو، جمله را به صورت آینده ترجمه نمودند هر چند که قمشه‌ای صفت "کمال اتصال" در دو جمله را به خوبی رعایت نموده و بدون استفاده از حرف عطف "واو" معنای درستی ارائه کرده است و این یک نکته بلاغی زیباست. ولی دو ترجمه مکارم و صفوی با نگارش امروزی همخوانی بیشتری داشته و از سلاست بیشتری برخوردارند.

### نتیجه‌گیری:

یکی از آیات حق، بخش کوتاهی از سوره مبارکه‌ی بقره است که به دلیل اهمیت و عظمت والای این آیات مبارکه به "آیه‌الکرسی" مشهور شده که امروزه ورد زبان هر قرآن دوست و هر مسلمانی است ضمن اینکه از مفاهیم والا و محتوای معنایی عمیقی برخوردار است. بررسی آیات مذکور با تکیه بر ترجمه‌ی سه مترجم معاصر که به نوعی در جایگاه خویش نمود یک سبک جدید بودند نشان دهنده علاقه‌ی این بزرگواران به مفاهیم قرآنی و دنبال کردن سیر ترجمه‌های قرآنی از ابتدا تاکنون بوده و ضمن

<sup>۲</sup> - برای آگاهی بیشتر به ص ۴۳ ترجمه قرآن کریم مکارم شیرازی رجوع کنید.

استفاده از آن‌ها سعی در ارائه شیوه‌ای جدا از گذشته داشتند تا همگان به این کار ترغیب شوند. هدف این مترجمین علاوه بر آشنایی فارسی زبانان با محتوای عظیم قرآنی، ارائه یک ترجمه‌ی روان و نزدیک به ذهن بوده است. با این تفاوت که الهی قمشه‌ای این روش را در قالبی با تفسیری که تا حدی لفظ نیز فدای معنا نشده نمایش می‌دهد و با این کار نام خود را در عرصه‌ی ترجمه تفسیری قرآن ماندگار ساخته و سبکی ابتکار نمود که تا قبل از آن مخاطبان در ترجمه لفظ به لفظ چه بسا دچار شبهاتی می‌شدند؛ در نتیجه ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای ترجمه‌ای برای عموم مردم است که همگان با اختلاف سطح علمی و نوع سلیقه می‌توانند از ترجمه‌ی ایشان بهره‌مند شوند. روش صفوی نیز جدید بوده و به تبعیت از علامه طباطبایی، ترجمه‌ای محتوایی ارائه نموده و از قدرت علمی و روشی مطلوب برخوردار است و در نهایت اسلوب مکارم هم با در نظر گرفتن جوانب مختلف و احتمالات و شبهات در ذهن خوانندگان یک ترجمه محتوایی-تفسیری از قرآن کریم می‌باشد. ترجمه سه مترجم از این جهت شبیه به هم بوده که هر سه تلاش کردند تا ترجمه‌ای عامه فهم از قرآن ارائه دهند که هر یک به اسلوبی که بدان اشاره کردیم به این مهم پرداختند. تفاوت ترجمه‌های مذکور نیز در این است که الهی قمشه‌ای تا حدی سعی کرده موسیقی و آهنگ درونی آیات را به ترجمه هم منتقل کند لذا ترجمه ایشان تا حدی موزون و آهنگین است، ضمن این‌که در قالب تفسیر و توضیح کوتاه اصل معنا را نیز افاده می‌کند. صفوی نیز به علت پایبندی به تفسیر المیزان سعی کرده از این محدوده خارج نشود ضمن این‌که به درستی مفاهیم را بیان کرده و مکارم شیرازی نیز فراتر از این دو به تمام وجوه اجتماعی و فلسفی و دینی... توجه نموده و در بیان مطالب به مناقشه می‌پردازد.

نکته بارز ترجمه قمشه‌ای، تلاش ایشان در انتقال معنای ساده از آیات است؛ هر چند که در برخی موارد، تفسیر با ترجمه لفظ به لفظ آمیخته شده است. ترجمه صفوی نیز جدید بوده و نواقص ترجمه‌های پیشین را برطرف کرده و از این حیث ترجمه‌ای کامل است ایشان ترجمه‌ای سلیس ارائه دادند به طوری که درک مفهوم آیات به خوبی برای مخاطب امکان‌پذیر است. ایشان در تفسیر خود به خوبی از عهده تبیین مطالب برآمده و ارتباط معنایی درستی بین معانی سه آیه برقرار کرده و این یک اصل است که در تفسیر المیزان به خوبی روشن است. وجه بارز ترجمه مکارم نیز شرح و تفسیر مستقلی است که با در نظر گرفتن نیاز انسان به ابعاد مختلف و جنبه‌های گوناگون آیات ارائه داده و ترجمه‌ای روان و درخور اهمیت است. هر سه مترجم در این زمینه موفق بوده‌اند ضمن این‌که ترجمه‌ی مکارم از لحاظ روانی عبارات به نظر گامی فراتر از آن دوست. نشر ایشان روان است و به درستی هر جا که نیاز بوده از پراکنش استفاده کرده است و ضمن معادل‌یابی برای تمام لغات متن، به اصول نگارشی نیز پایبند بوده و اطاله کلام نیز ندارد. اما از آنجایی که هدف اساسی در ترجمه قرآن مجید این است که انسان با خواندن آن، به خواندن متن اصلی قرآن بیشتر راغب شود تا چراغی باشد در فراز و نشیب‌های زندگی، با این نگاه، ترجمه‌ی این مترجمین آثاری ارزشمندند و هر کسی نمی‌تواند دست به چنین کار عظیمی بزند. لذا بررسی این آثار و نقاط قوت و ضعفشان در قالب آیاتی از قرآن علاوه بر این‌که می‌تواند برای مترجمان بعدی راهگشا باشد باعث رشد دانش ترجمه‌ی قرآن و بالندگی بیشتر آن نیز می‌شود.

منابع:

- الهی قمشه‌ای، مهدی، قرآن مجید، (۱۳۸۴) تهران، انتشارات منفرد، ص ۶۳-۶۲.  
 - بیات مختاری، ماشالله (۱۳۸۴) فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، شماره ۴۴، زمستان. ص ۸۹ تا ۱۰۵.

- خامه‌گر، محمد، ترجمه قرآن به فارسی (۲)، منبع: مرکز فرهنگ و معارف قرآن  
 - خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (آ-ج)، ج ۱، (۱۳۷۷) تهران، انتشارات دوستان (و) ناهید  
 - ..... ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه‌ها، (۱۳۷۴) تهران، انتشارات نیلوفر: جامی  
 - صفوی، سید محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، (۱۳۸۵) قم، دفتر نشر معارف  
 - مروتی، سهراب، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم، (۱۳۸۱) ایلام، انتشارات گویش  
 - معرفت، حامد (۱۳۸۹) معرفی و نقد ترجمه‌ی قرآن کریم براساس المیزان، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری آینه پژوهش، شماره ۱۲۴، مهر و آبان، ص ۱۳-۶۷.

-کریمی نیا، مرتضی، نشریه قرآن و حدیث "بینات"، ش ۹، ۱۳۷۵ش، ۱۴۰ تا ۱۵۳  
-مکارم شیرازی، ناصر، قرآن کریم (۱۳۸۸) قم، چاپخانه بزرگ قرآن کریم (اسوه) ص ۴۲-۴۳.



# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی

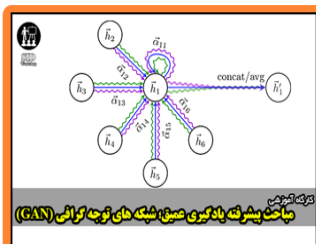


عضویت در  
خبرنامه



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی